

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

فرستنده : جهانگیر

حزب کار ایران

ددمنشی رژیم اسلامی نشانه ثبات وی نیست،

نشانه ترس مرگ آنست

پس از کودتای انتخاباتی و تشدید اختلافات جناحهای درون حکومتی، پیکار عمومی مردم ایران علیه نظام فاسد و ارتجاعی جمهوری اسلامی اوج بیشتری یافته است. فریاد اعتراض مردم در سراسر ایران به گوش میرسد. فریاد مرگ بر دیکتاتور و شعار "خامنه ای قاتله و لایتنش باطله" و..... در تظاهراتی چند ماه اخیر منحصر به یک شهر و دوشهر نیست و این تظاهراتهای شکوهمند به یک قشر و دوقشر از مردم جامعه ما محدود نمیشود. دانشجوی، کارمند، کارگر و دانش آموز، مادران و پدران داغدار و کسانی که فرزندانشان در زندانها به سر میبرند... از کرد و آذری، فارس و بلوچ و عرب و ارمنی... در آن شرکت دارند. نقش جوانان و به ویژه حضور گسترده زنان در تظاهراتی خیابانی برجسته و قابل تحسین است. رژیم امنیتی- نظامی خامنه ای با تمام وسائل اختناق و سانسور خویش دیگر نمی تواند بر روی آنچه در سراسر ایران میگذرد سرپوش بگذارد، افسانه ثبات رژیم مهرورز اسلامی، افسانه ای است که سرایندهانش هم به آن باور ندارند.

نارضایتی در بین مردم هر روز گسترده تر میگردد و در هر کوی و برزنی از جنایت و دزدی و فساد نظام اسلامی سخن میرود. هر روز خبری از مبارزات جوانان و اعتصاب کارگران به گوش میرسد. روزی از شیراز خبر میرسد که دانشجویان دختر و پسر دوشادوش هم در حیاط دانشگاه این سنگر آزادی، فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر این دولت مردم فریب سردادند. روز دیگر خبر از تجمع مادران داغدار در پارک لاله تهران به گوش میرسد. روزی از اعتصاب کارگران لوله سازی اهواز و اعتراضات کارگران هفت تپه و روز دیگر خبر اعتصاب غذای دانشجویان علم و صنعت و شعار "ما بچه های جنگیم بکنیم تا بکنیم و مرگ بر دیکتاتور" از طریق فیلم ویدئو و یوتوب به سراسر جهان گزارش میشود. رژیم سرمایه داری اسلامی از این همه اعتراض و عمومی شدن شعا مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای به هراس مرگ افتاده و به همه جا قشون فاشیستی لباس شخصی میفرستد، برای هر کسی قداره میکشد، زبان مردم را میبرد، دستهای آنها را می بندد، دست به تجاوز جنسی می زند، جوانان را در ملاء عام اعدام میکند، حتا به یاران نزدیک خود و معتقدین به نظام جمهوری اسلامی نیز رحم نمی

کند، قتل محسن روح الامینی فرزند دکتر روح الامینی در زندان کهریزک و دهها تن دیگر نمونه ای از این دست است. اخیراً نیز برای پاک کردن آثار جنایت در زندان کهریزک، جوان ۲۶ ساله، رامین پور اندرجانی پزشک وظیفه بازداشتگاه کهریزک را وحشیانه به قتل رساند و ناشیانه علت مرگ این جانباخته را خودکشی اعلام داشت. اما همه میدانند که کارگردانان پشت پرده آدمکشانی نظیر سردار احمدی مقدم- فرمانده نیروی انتظامی-، سردار رادان- جانشین وی- و سعید مرتضوی دادستان وقت کل کشور هستند که به صورت مستقیم در حوادث کهریزک دخالت داشتند. لذا هیچ یک از این تلاشها قادر به حفظ آرامش و امنیت رژیم آدمخوار اسلامی نیست. سراسیمگی جلادان رژیم در همه جا به چشم می خورد. همه می بینند که بگیر و ببند های بی سابقه ای در کار است. بر تعداد قربانیان هر روز افزوده میگردد. تعداد بازداشت شدگان چند ماه اخیر سر به چند هزار نفر زده است. توده های مردم این درندگیها را می بینند ولی علی رغم آنچه گراز های اسلامی می خواهند، دچار ترس و واهمه نمی گردند، افزایش درندگیهای جمهوری اسلامی را با تشدید مبارزات خویش پاسخ می گویند. باند تبهکار احمدی نژاد- خامنه ای تمام تلاش خویش را به کار گرفت و از همه وسایل ترور و خفقان استفاده کرد تا دستش برای هر کار که میخواهد بازماند. هزاران هزار دروغ گفت و برای حقانیت کشتارهای وحشیانه مردم پس از ۲۲ خرداد، دادگاهها و شوهای نمایشی برگزار کرد و از توطئه " انقلاب نرم و مخملی" سخن گفت. لیکن مردم ایران این دروغها را شنیدند و هرگز باور نکردند. حنا جناحی از رژیم نیز که امروز برای حفظ نظام و جلوگیری از فروپاشی آن در اپوزیسیون قرار گرفته است به دروغهای باند حاکم می خندد و بدان باور ندارد. به جرأت می توان گفت که نفرت مردم نسبت به رژیم امنیتی- نظامی احمدی نژاد- خامنه ای، بد بینی آنها نسبت به آنچه گفته میشود و تبلیغ میگردد هیچگاه به اندازه امروز نبوده است. پیکار قهرمانانه مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی را به سراسیمگی انداخته است و حلقوم وی را میفشارد. موج مبارزات مردم ایران به خارج از کشور هم سرایت کرده و عرصه را بر رژیم و مزدورانش تنگ کرده است. عربه کشیهای رژیم و تهدید و ترور مخالفین دیگر کار ساز نیست و نیروهای مترقی و میهن دوست با عزمی راسخ و همسو با مبارزات مردم ایران به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی می پردازند.

مبارزات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی بسیار امید بخش است. باید امید داشت که این مبارزات به مرحله نوبنی، مرحله اعتصابات عمومی و سرانجام مقاومت قهرآمیز علیه ارتجاع داخلی بینجامد. باید علیه توهنات سیاسی و منحرفین رفرمیست که به اصلاح رژیم چشم دوخته اند مبارزه کرد و بر پاکیزگی جنبش دمکراتیک مردم و تفکیک ناپذیر بودن آن از پیکار ضد امپریالیستی و ضد استعماری و سرنگونی تمامیت نظام سرمایه داری و ضد بشری جمهوری اسلامی تاکید ورزید.

مبارزات مردم ایران باید به مرحله نوبنی، به مرحله رهبری واحد و فرماندهی سیاسی نظامی واحد و به رهبری حزب واحد طبقه کارگر بینجامد. باید با تفکر پوسیده خرده بورژوازی و آنارشستی که بر طبل سیاست غیر واحد و تصمیمات غیر واحد میکوبد ایستاد و به افشای بی امان این تز انحرافی که تاریخ بارها بی اساس بودن و باطل بودن آن را به اثبات رسانده است پرداخت و جنبش را از گزند دشمنان رنگارنگ انقلاب رهانید. تنها در این صورت است که می توان به پیروزی نهایی دست یافت و جامعه را از ظلمت رژیم سرمایه داری اسلامی، از بیکاری، فقر، گرانی، فساد و دزدی، ترور و شکنجه و قتل و جنایت و تمامی مظاهر نظام کهن رهانید.

برگرفته از توفان الکترونیکی شماره ۴۱ آذر ۸۸ نشریه الکترونیکی حزب کار ایران